

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره نهم ، شماره سی و چهارم ، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۷/۱۶

صفحات: ۵۶ - ۲۸

الگوی رفتار فردی و سازمانی پلیس در جامعه اسلامی

سیدمحمد شاه چراغ^۱*

چکیده

نیروی انتظامی از معدود سازمان‌هایی است که ماموریت‌های متعدد آن در راستای تامین نظم و امنیت با ارتباط نزدیک و مستقیم با اقشار مختلف جامعه گره خورده و این ارتباط تنگاتنگ و گاه‌ها درگیرانه همیشگی و وقفه ناپذیر است. مواجهه‌ای گسترده که آبهستن برخورد‌های مهربانانه و خادمانه ماموران پلیس و همچنین هرچند محدود برخورد‌های تند و زنده است. از همین رو ساماندهی رفتار فردی و سازمانی کارکنان ناجا نسبت به سایر دستگاه‌ها و حتی نیروهای مسلح از اهمیت دو چندانی برخوردار است. به طوری که فرمانده معظم کل قوا نیز بارها با طرح واژگانی خاص مانند پلیس مقتدر و مهربان، یار مهربان، پناهگاه امن مردم و... در موقعیت‌های مختلف و همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مسیر راهبردی ناجای در تراز انقلاب را ترسیم نموده‌اند. از همین رو محقق در این مقاله با مدنظر قراردادن آسیب‌های فراوان کار انتظامی و همچنین ظرفیت‌های بالقوه کارکنان متعهد، ولایی و انقلابی ناجا با بهره‌گیری از متون و ادبیات اسلامی و تاکید بر سه مفهوم اصلی «اخلاق»، «انضباط» و «کار و تلاش» در سیره «نبوی، علوی و رهبری» الگوی رفتار فردی و سازمانی پلیس در جامعه اسلامی را معرفی می‌نماید.

واژگان کلیدی: پلیس، اخلاق، انضباط، تلاش جهادی، جامعه اسلامی



پښتونستان ښار، پښتونستان
پښتونستان ښار، پښتونستان

مقدمه :

هرسازمانی برای بهبود عملکرد خود برنامه‌های متنوعی را به کار می‌گیرد تا در خلال آن روند اداره امور و بازدهی سازمانش را ارتقاء بخشد. این فرآیند آن قدر از اهمیت بسزایی برخوردار است که رشته‌های متعدد آکادمیک از جمله "مدیریت" به آن می‌پردازند و سبک‌های مختلف مدیریت در سازمان‌ها را پیشنهاد می‌دهند. البته هدف اصلی در اغلب سبک‌های مدیریتی ارائه شده در علوم به ویژه مدیریت مبتنی بر مبانی نظری غربی محدود به بهبود عملکرد، کاهش هزینه‌ها و افزایش میزان سود دهی سازمان است. این رشته‌ها با همین شیوه سال‌هاست در دانشگاه‌های ایران اسلامی نیز تدریس می‌شود و مدیران دستگاه‌ها و سازمان‌های نظام اسلامی را براساس ایدئولوژی نظام‌های لیبرال تربیت می‌کنند. روشی که شاید در سازمان‌های خصوصی از جمله شرکت‌های خصوصی و کارخانجات که صرفاً به دنبال سود بیشتر هستند، جوابگو باشد ولی پاسخ اهداف والای انسانی و الهی سازمان‌هایی مانند نیروی انتظامی جمهوری اسلامی را نخواهد داد. سازمانی که اهداف کلانش حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع از مردم و کیان ایران اسلامی تعیین گردیده و بالتبع شیوه‌نامه مدیریت و رفتار فردی و سازمانی‌اش را نیز می‌بایست براساس ادبیات اسلامی تنظیم و ارائه شود.

ناجا (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) سازمانی است که بیشترین ارتباط مستقیم را با مردم دارد و به صورت شبانه روزی و بدون وقفه در مواجهه با اقشار مختلف اجتماع است و از همین رو نحوه رفتار فردی و سازمانی مدیران و کارکنان این مجموعه انتظامی از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از سوی دیگر همین حضور همیشگی در اجتماع و در مقابل دیدگان افکار عمومی و مردم قرار داشتن وجه تمایز مهم بین ناجا و سایر دستگاه و نیروهای مسلح است. تمایزی که اهمیت سازماندهی رفتار فردی و سازمانی ماموران انتظامی را نمایان می‌سازد. چرا که مردم با مشاهده پلیس با پوشش رسمی و نظامی در همه معابر و خیابان‌ها و جاده‌ها، آن مامور انتظامی را نماینده حاکمیت و نظام

اسلامی قلمداد و براساس اندیشه، گفتار و رفتار پلیس درباره نظام اسلامی قضاوت می‌کنند. در همین باب فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای عزیز (مدظله العالی) در دیدار با فرماندهان ناجا تاکید فرمودند: « شما نماینده نظام اسلامی در منظر عموم هستید، مردم با مشاهده شما و عملکردتان در باره کل حاکمیت و نظام اسلامی قضاوت می‌کنند».

با این توضیح به نظر ارائه یک الگوی رفتار فردی و سازمانی که برپایه متون اسلامی و الهی تنظیم شده باشد و برای اثرگذاری بر سازمانی ولایی و انقلابی موثر باشد، ضروری است. محقق پس از مطالعات بسیار در حوزه متون اسلامی و تمرکز بر مفاهیم مشترک در ادبیات نظامی - انتظامی و اسلامی، به سه مفهوم ارزشمند «اخلاق، انضباط و کار و تلاش» دست یافت. چرا که اخلاق با تمام ابعاد خرد و کلان آن چنانچه در سازمان ناجا نهادینه شده و محور رفتار فرد (پلیس) قرار گیرد، هدف از برخورد با متهم، مجرم و فرد مظنون را از اهداف شخصی و دنیوی به اهداف والایی چون انسان‌سازی و هدایت‌گری مبدل می‌سازد. مامور پلیس متعلق به اخلاق برتر یا همان اخلاق نبوی و اسلامی، بی‌تردید در نهایت سلامت و عزت انسانی خواهد بود. او خود ناظر بر رفتار و گفتار خویش است و خداوند را نیز بزرگترین بینای عالم می‌بیند. مفهوم دیگر انضباط است؛ انضباط واژه‌ای کلیدی در ادبیات انتظامی است. سازمانی که خود متولی اصلی تأمین نظم در جامعه است بی‌تردید خود باید منضبط‌ترین نهاد و کارکنانش نیز منظم‌ترین افراد باشند. انضباط در سازمان‌های نظامی از دو بعد ظاهری و معنوی برخوردار است. محقق در این مقاله به ابعاد مختلف انضباط در سیره علوی می‌پردازد و ضمن تعریف آن از دیدگاه مولای متقیان (ع)، با استفاده از مفاهیم استخراج شده از نهج البلاغه، راهکار پیاده سازی انضباط علوی در سازمان نیروی انتظامی را تشریح می‌کند. بخش سوم به کار و تلاش جهادی تعلق دارد؛ برای تنظیم رفتار فردی و سازمانی ناجا و افزایش میزان کارایی کارکنان، محقق بهترین منبع را فرمایشات ارزشمند رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) می‌داند و براساس ادبیات رهبری انقلاب به تنظیم الگوی رفتار فردی و سازمانی در حوزه کار و تلاش جهادی می‌پردازد.

در این مقاله محقق به دنبال پاسخ به این سوالات است؛ با توجه به دامنه وسیع «اخلاق» در سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) منظور از اخلاق چیست؟ آیا بر اخلاق فردی تاکید دارند یا سایر حوزه‌های زندگی سازمانی و کاری کارکنان را نیز شامل می‌شود؟ شاخص‌های انضباط از دیدگاه امیرالمومنین (ع) کدام است؟ بهترین منبع برای تشریح

سیره ارزشمند مولای متقیان چیست؟ آیا منظور از انضباط تنها انضباط ظاهری ماموران انتظامی است یا جنبه معنوی آن نیز مدنظر خواهد بود؟ وضعیت توجه به کار در سازمان پلیس چگونه است؟ انتظار فرمانده معظم کل قوا در حوزه خدمت رسانی و کار در چه حدی است؟ آیا در حوزه وجدان کاری در کشور وضعیت مطلوبی داریم؟

از همین رو برآن شدیم برای پاسخ به این سوالات و تشریح شعار، با مراجعه به منابع مختلف و اغلب دست اول مانند قرآن کریم، نهج البلاغه و تحقیقات مناسب، زمینه را برای بررسی رویکرد اخلاق مداری، انضباط محوری و فرهنگ کار و جهاد فراهم و علاوه بر آن الگویی مناسب تنظیم شیوه‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های سازمانی گرد آوریم.

نکته‌ای که قبل از آغاز مباحث باید به آن اشاره شود این است که اخلاق مداری و انضباط محوری و همچنین وجدان کاری در سازمان مقدس ناجا، هم‌اکنون نیز در شرایط مناسبی قرار دارد. به طوری که کارکنان پلیس علیرغم ماهیت آسیب‌زای کار انتظامی و مشکلات و محدودیت‌های موجود در بسیاری از حوزه‌ها به ویژه سلامت سازمانی، عزت نفس، ولایت مداری، کار و تلاش و امانت داری جلودار و پشت‌تازند و الگوی مناسبی برای سایر دستگاه محسوب می‌شوند. لذا پرداختن به این موضوع و تنظیم این مقاله با هدف تقویت بیش از پیش شاخص‌های «اخلاق، انضباط و کار و تلاش» و تنظیم الگوی رفتاری مناسب براساس سیره زندگی اولیاءالله و انسان‌های بزرگ تاریخ اسلام صورت گرفته است.

هدف:

هدف اصلی: تنظیم الگوی رفتار فردی و سازمانی مدیران و کارکنان ناجا براساس سه مفهوم کلیدی «اخلاق»، «انضباط» و «کار و تلاش جهادی».

اهداف فرعی:

- ارائه الگوی عملی پلیس متخلق به اخلاق اسلامی.
- ارائه الگوی رفتاری پلیس اسلامی منضبط.
- ارائه نقشه راه مامور انتظامی در مسیر کار و خدمت رسانی به مردم.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این مقاله از نوع اسنادی و برپایه کتب مرجع، دست اول و تحقیقات علمی و دانشجویی صورت گرفته داخلی و خارجی است.

۱- مبحث نخست: اخلاق در سیره نبوی

از جمله مباحثی که در اندیشه نظریه پردازان علم سیاست مورد توجه و چالش است و در عمل سیاسی حاکمان نمودی مستقیم دارد، آن است که تا چه حد باید عمل، تحت اصول اخلاق انسانی بگنجد و چه محدودیت‌های اخلاقی بر روش حکومتی زمامدار و ماموران حکومت سیطره دارد؟ این مباحث که آن را تحت عناوین اخلاق قدرت، اخلاق زمامداری، یا همان اخلاق سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهند، از مسائل کلیدی «نظریه قدرت» است. نظریه قدرت تا پاسخ این سوال را نداده باشد، نمی‌توان آن را نظریه کاملی به حساب آورد.

رسول گرامی اسلام(ص) در قرآن کریم به عنوان شخصیتی با خلق عظیم معرفی شده است و خود حضرت نیز هدف از رسالت خویش را متمیم مکارم اخلاق معرفی کرده است.

شاخص‌های اخلاق اجتماعی در سیره نبوی: اخلاق و سیاست در نظر و عمل سیاسی پیامبر اکرم(ص) پیوندی ناگسستنی دارد و سیاست در نظر ایشان کاملاً منطبق بر اصول و مبانی اخلاقی است. سیره رسول خدا نشان داده است که در هیچ مورد به بهانه پیشبرد مقاصد، آرمان‌های اخلاقی ذبح نشده و هیچ گاه فضائل اخلاقی به نفع سیاست به حاشیه رانده نشدند. از جمله اصول اخلاقی که در سیره اجتماعی - سیاسی رسول خدا جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱) صداقت و امانت‌داری

صداقت و راستگویی از ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین اصول اخلاقی به شمار می‌رود. با این حال این اصل اخلاقی در برخی عرصه‌ها کم رنگ شده و اساساً برخی سیاست را با دروغ‌گویی و تزویر همزاد و قرین می‌دانند.

طبری روایت می‌کند؛ روزی که پیامبر اکرم(ص) مامور به ابلاغ عمومی دعوت رسالت خویش شد، بر فراز صخره‌ای در کوه صفا قرار گرفت و فرمود: ای مردم آیا اگر به شما خبر دهم که در پشت این کوه دشمن کمین کرده و قصد حمله به شما را دارد آیا سخن مرا می‌پذیرید؟ همگی در جواب گفتند: آری تو در نزد ما شخص معتمدی هستی و ما هرگز از

تو سخن کذبی نشنیده‌ایم، آن گاه حضرت ادامه داد: آگاه باشید که من پیامبر خدا و بیم‌دهنده شما از عذاب شدید الهی هستم. (امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ص ۲۳۲)

همچنین امانت‌داری نیز یکی از صفات برجسته اخلاقی آن حضرت بود و به قدری ایشان با این صفت شناخته شده بود که وی را «محمدامین» لقب داده بودند.

خداوند پیامبر خویش را به دور از هر خدعه و نیرنگی معرفی کرده و می‌فرماید: «و ما کان لنبی ان یغل و من یغلل یات بما غل یوم القیامه»؛ و هیچ پیامبری را سزا نیست که خیانت کند و هر کس خیانت ورزد روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید آن گاه به هر کس (پاداش) آنچه کسب کرده به تمامی داده می‌شود و بر آنان ستم نرود. (آل عمران/۱۶۱)

در همه ابعاد کار نیروی انتظامی «راستگویی و امانت‌داری» یک اصل اساسی است. بر همین اساس گزارش خلاف واقع و دروغ هیچ جایگاهی در رفتار درون و برون سازمانی ناجا ندارد و یک مامور پلیس باید با عموم شهروندان، همکاران و فرماندهان خود صادق باشد. این شاخصه ارزشمند اخلاقی در ارتباط فرماندهان پلیس با جامعه از جمله اعلام آمار عملکرد به رسانه‌ها، حضور در بین اقشار اجتماعی و گفت‌وگو با مردم و تعامل با سایر نهادهای نمود بیشتری خواهد دارد. از سوی دیگر، امانت‌داری از ویژگی‌های لاینفک سازمان امنیت آفرین است. مامور پلیسی مورد اعتماد مردم خواهد بود که امانت‌داری را در نهایت خود داشته باشد تا شهروندان بتوانند ناموس، جان و مال خود را به راحتی در فضای امن حاصل از تلاش ماموران انتظامی به امانت گذارند.

۲-۱) پایبندی به عهد و پیمان

پایبندی به عهد و پیمان در تمامی زندگی پیامبر(ص) به وضوح آشکار بود و حتی در جزئی‌ترین مسائل نیز، آن حضرت حاضر به نقض قول و وعده خویش نبودند. در روایت است که روزی رسول خدا(ص) با مردی در نقطه‌ای قرار گذاشته بود، آفتاب به شدت می‌تابید و شدت حرارت، پیامبر(ص) را رنج می‌داد. اصحاب به پیامبر عرض کردند که زیر سایه رود و

در آنجا منتظر مرد باشد. حضرت جواب دادند: «وعده ما همین جاست. در این مکان می‌مانم تا بیاید». (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۴)

بی‌تردید عهد و پیمان پلیس با مردم بر سر امنیت، نظم و انضباط در جامعه است. پیمانی که نیروی انتظامی برای پایبندی به آن بیش از ۱۳ هزار شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است و روزانه بر این آمار افزوده می‌شود. مردم نیز به اعتقاد همین عهد و پایبندی است که اعتمادی عمیق به ناجا داشته و آن را حافظ خود و زندگی‌شان می‌دانند.

۳-۱) رافت و مهربانی

بدون شک یکی از عوامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) در امر رسالت و تبلیغ دین، حسن خلق و رافت و عطوفت ایشان نسبت به مردم بود. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر خویش می‌فرماید: «ای پیامبر! اگر با مردم سخت دل بودی و با خشونت رفتار می‌کردی، هر آینه از کنار تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران/۱۵۹)

این مهر و عطوفت تا حدی بود که حتی دشمنان حضرت نیز از آن بهره‌مند می‌شدند و حضرت منازعات سیاسی را بهانه‌ای برای زیر پا گذاشتن این اخلاق حسنه نمی‌دیدند. در این جا مناسب است به نمونه‌ای بزرگ از رافت و رحمت نبوی در سیره ایشان اشاره کنیم؛ زنی به نام «ساره» دو سال پس از جنگ بدر از مکه به مدینه آمده نزد پیامبر رفت، پیامبر به او فرمود: مسلمان شده‌ای؟ گفت: نه! حضرت فرمودند: برای قبول اسلام آمده‌ای؟ ساره پاسخ داد: نه. حضرت پرسیدند: پس برای چه آمده‌ای؟ ساره گفت: شما برای ما پشت و پناه بودید اکنون من پشتیبانی ندارم و به سختی نیازمند شده‌ام، آمده‌ام تا به من کمک کنید و به من جامه و مرکب بدهید. پیامبر (ص) فرمود: تو که آوازه خوان جوانان مکه بودی چه طور محتاج شدی؟ گفت: پس از جنگ بدر کسی مرا برای آوازه خوانی نمی‌برد. لذا پیامبر به خاندان خود دستور دادند که به آن زن کمک کنند و آنان نیز کمک کرده و به او جامه و مرکب دادند. (حکیمی، محمدرضا، حکومت اسلامی از منظر قرآن و سنت ص ۲۳۲)

با طرح کلید واژه «یار مهربان» از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سال‌های اخیر موضوع مهربانی و رافت پلیس جمهوری اسلامی مورد توجه شدید فرماندهان و مسئولان انتظامی، همچنین رسانه‌ها و جامعه قرار گرفت. مهربانی همراه با اقتدار، هدفی

است که باید در میادین مختلف ماموریتی همواره مدنظر پلیس باشد. مهربانی هیچ مغایرتی با اقتدار ندارد. مامور پلیس هنگام نگه داشتن کاپشن خود در روز بارانی بالای سر کودک کار و گل فروش سر چهارراه همانقدر مهربان و از صمیم قلب عاشق کمک به آن کودک است که حین انجام ماموریت دستگیری یک مجرم و تبهکار! پلیس مقتدر و مهربان حتی در برخوردهای قهری با مجرمان نیز قلباً عاشق وجود انسانی مجرم و کمک به اصلاح اوست و هیچ‌گونه غرض شخصی در مواجهه با آن ندارد.

۴-۱) قاطعیت در اجرای عدالت و اقامه حدود الهی

سیره رسول خدا در مسائل شخصی همواره با عفو و گذشت و نرم‌خویی همراه بود، اما زمانی که پای منافع عمومی (به طور مثال امنیت اجتماعی) و نیز تعدی به حدود الهی به میان می‌آمد، حضرت به هیچ وجه کوتاه نیامده و با صلابت و قاطعیت برخورد می‌کردند. اگر کسی به شخص ایشان جسارتی می‌کرد، آن را تحمل می‌نمود ولی اگر کسی مرزها و حدود اسلام را نقض می‌کرد، دیگر نه تنها تحمل نمی‌کرد، بلکه مصمم در اجرای حدود الهی و برخورد قاطع با شخص متخلف بود.

«امنیت اجتماعی» خط قرمز پلیس است. این جمله‌ای است که بارها از سوی فرماندهان ناجا بر آن تاکید شده است و به این معناست که نیروی انتظامی در صورت ایجاد اختلال در آرامش، امنیت و انضباط مردم و جامعه، بدون هیچ گونه اغمازی وارد صحنه شده و با برهم زندگان امنیت عمومی برخورد می‌کند.

این اصل اخلاقی در رفتار پلیس به ویژه در مبارزه با اراذل و اوباش و قمه به دستان به شدت خودنمایی می‌کند. بی‌تردید تا زمانی که افرادی باشند که در کوچه و خیابان، شهر و روستا و جاده و بیابان می‌توانند امنیت مردم را به خطر بیندازند، ماموران پلیس آرام نخواهند گرفت. مشخصه اخلاقی که با تاکید فرمانده انتظامی استان سمنان در رفتار فردی و سازمانی ماموران پلیس این استان به شدت تقویت و به سدی در برابر اراذل و اوباش تبدیل گشت و پس از مدتی بساط جولان آنان در همه شهرها جمع آوری شد.

۵-۱) صبر و استقامت

صبر و استقامت یکی از ابزارهای مهمی است که پیامبر گرامی اسلام در تمامی ابعاد زندگی به کار می‌بست. در اهمیت این صفت برجسته اخلاقی همین بس که خداوند در قرآن کریم ۱۹ بار پیامبر اکرم(ص) را به آن توصیه کرده است از جمله در این آیه که می‌فرماید: «فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل ولاتستعجل لهم» (احقاف/۳۵) - پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده - همچنین در آیات مربوط به جهاد به عنصر صبر اشاره شایانی شده است.

در این جا مناسب است تا به نمونه‌ای از شکیبایی آن حضرت در مقابل ناملایمات اشاره داشته باشیم. در جریان جنگ احد، یکی از مشرکان دندان‌های جلوی پیامبر را شکست و صورت آن حضرت شکاف برداشت. اصحاب بسیار ناراحت شدند و از آن حضرت خواستند تا آن شخص را نفرین کند. پیامبر(ص) به آنها فرمود: «انی لم ابعث لعانا ولکنی بعثت و اعیاً و رحمه» (طباطبائی، سیدمحمد حسین، سنن النبی ص ۴۱۳) یعنی من برای ناسزاگویی مبعوث نشده‌ام بلکه دعوت‌کننده و مایه رحمتم. لذا پیامبر نه تنها وی را نفرین نکرد بلکه در حق وی دعا نمود.

«صبر و استقامت» سلاح لازم و ضروری یک مامور انتظامی است. ناملایمات روزگار و زندگی شخصی و فردی از یک طرف، فشارهای محیط کاری و کمبودهای ساختاری موجود از سوی دیگر و هجمه‌های سنگین روحی و جسمی حاصل از ماموریت‌های سخت و شبانه روزی ناجا تاب هر انسانی را بی‌تاب می‌کند. اما ماموران انتظامی با همه این مشکلات با توکل بر خداوند و الگوبرداری از اولیای خدا، بر این محدودیت‌ها و مشکلات صبر کرده و پای خدمت به مردم ایستاده‌اند. ویژگی ارزشمند اخلاقی که در دوران مشکلات شدید اقتصادی و هجمه‌ها و توطئه‌های گسترده دشمنان، به شدت در رفتار زیبا و هوشمندانه ماموران ناجا می‌درخشد.

۶-۱) رفتار عادلانه با دوست و دشمن

یکی از نکات قابل توجه در سیره پیامبر و تعالیم معصومین اصالت اجرای عدالت و عدم ظلم با دوست و دشمن است. قرآن کریم می‌فرماید: مبادا دشمنی یا گروهی شما را وادارد تا به بی‌عدالتی با آنان رفتار کنید (مائده/۸)

پیامبر نیز در سیره حکومتی خود این آموزه را عمل می‌نمودند و حفظ کرامت انسان را از اصول اساسی بر می‌شمردند. ایشان می‌فرمایند: مردمان از زمان حضرت آدم تا امروز مانند دندان‌های شانه برابند و نه عربی بر عجم برتری دارد و نه سرخی بر سیاه مگر به لحاظ تقوی. (شیخ مفید، اختصاص ص ۳۳۷) که صدا البته در سیره پیامبر تقوی به عنوان معیار باطنی، موجب ایجاد تبعیض‌های ظاهری نشده است همان گونه که ایشان و پس از وی امیرالمومنین (ع) با استناد به این اصل از تبعیض جلوگیری می‌کردند و به آنان که به خاطر سبقت در اسلام سهم بیشتری از بیت‌المال را طلب می‌کردند، دست رد می‌زدند و بیت‌المال را به تساوی تقسیم می‌نمودند.

۷-۱) دوری از تملق خواهی

از دیگر ویژگی‌های عملی به خصوص در باب سیاست از جانب پیامبر اکرم (ص) دوری از تملق خواهی و نهی شدید از این ویژگی غیرانسانی است.

پیامبر (ص) در این باره در مقام بیان زشتی این مسئله می‌فرمایند: خاک در صورت ستایشگران و تملق‌گویان بپاشید (سفینه البحار ج ۲ ص ۵۲۹) که این بیان نشان‌دهنده ذم شدید عمل تملق‌گویی و خاصیت فاسدکنندگی آن برای حاکم است. هم چنین است در مورد داستان پابوسی پیامبرگرامی (ص) که ایشان به شدت از آن منع فرموده و گفتند: با من مانند شاهان برخورد مکنید که من بنده‌ای از بندگان خدایم. (بحار، ۱۳۴۸: ج ۷۶ ص ۶۳)

۸-۱) فروتنی و در سطح مردم زیستن

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی پیامبر اعظم (ص) فروتنی و خشوع در برابر مردم بود. قرآن کریم به پیامبر دستور می‌دهد: در برابر مردمان مومن (جامعه دینی) خاضع و فروتن باش (شعرا/۲۱۵) و درباره سیره عملی ایشان، ابوذر می‌گوید: پیامبر چنین بود که هرگاه میان

یاران می‌نشست (جای مشخصی نداشت) و اگر بیگانه‌ای می‌آمد نمی‌فهمید پیامبر کدام است و چون چنین بود از ایشان درخواست کردیم تا سکویی از گل بسازیم و ایشان روی آن نشستند و ما اطراف ایشان بنشینیم. (مکارم الاخلاق ص ۱۵) و بدین ترتیب است که پیامبر ایجاد تفاوت و تبعیض بین حاکم و مردم را روا نمی‌شمردند.

همانطور که به تشریح به آن پرداخته شد پیامبر اکرم اسلام (ص) در سیره زندگی و در برخورد با مسائل مهم جامعه اسلامی همواره موازین اخلاقی را در نهایت آن مدنظر داشتند. شاخص‌هایی چون صداقت و امانت‌داری، پایبندی به عهد و پیمان، رافت و مهربانی، قاطعیت در اجرای عدالت و اقامه حدود الهی، صبر و استقامت، رفتار عادلانه با دوست و دشمن، دوری از تملق‌خواهی و فروتنی و در سطح مردم زیستن که همگی آنها را می‌توان در زندگی روزانه همه انسان‌ها جانمایی کرد. به ویژه کارکنان دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی کشور از جمله نیروی انتظامی که همواره با مردم به صورت مستقیم برخورد دارد. پلیس مسلح به اخلاق اسلامی که با امین مردم است، بر عهدش با مردم پایبند و با مردم مهربان و در برخورد با مجرمان قاطع است، رفتاری عادلانه دارد و از هرگونه تملق‌خواهی در قضاوت‌هایش مبرا است، می‌تواند بیرق پلیس اسلامی را افراشته و در ماموریت‌هایش موفق باشد.

۲- مبحث دوم: انضباط در سیره علوی

رسالت اصلی نیروی انتظامی برقراری نظم، انضباط و در یک کلمه تامین امنیت جامعه است. تحقق این ماموریت و رسالت آنگاه قابل تصور و تحقق است که فرد فرد نیروهای انتظامی خود مظهر نظم و انضباط باشند. این یک قاعده فلسفی است که «مُعْطَى الشَّيْءِ لَا يَكُونُ فَاقِدًا لَهُ»؛ بخشنده، همیشه چیزی را می‌بخشد که خود آن را دارد. زیرا اعطای شیء از روی فقدان، هرگز امکان پذیر نیست. (دینانی، ۱۳۸۳؛ ۳۶۸) انضباط به معنی حبس کردن چیزی است، از این رو «ضبط نفس» یعنی خویشتن‌داری، عفت و پاکدامنی و یا «ضبط شهوت» یعنی پرهیزکاری است. زمانی که این واژه برای امور نظمی و انتظامی به کار می‌رود به پیروی کامل از دستورات و اجرای قوانین نظامی و انتظامی دلالت دارد. «انضباط» یعنی اطلاعات کردن، نظام یافتن، تسلیم شدن.

تنها کلمه ای که با ریشه «ضبط» در نهج البلاغه آمده است کلمه «لم ینضبط» است که در توضیح حکمت ۴۶۶ آمده است؛ لیکن بازشناسی واژه‌های مترادف با یک واژه و تشخیص معانی آنها، یکی از راه‌های مناسب برای پی بردن به معنا یا معانی واژه‌های مبهم است. (بهشتی، ۵۹: ۱۳۹۱) لذا می‌توان در لغت‌نامه‌ها نیز واژه‌هایی مانند «نظم»، «انتظام»، «صف»، «عدل»، «رتب»، «نسق»، «ضد» را واژه‌های مترادف با «انضباط» دانست.

در بررسی انضباط از دیدگاه امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه به مجموعه اهدافی دست پیدا می‌کنیم که می‌توان آنها در دو حوزه اهداف «غایی» و اهداف «واسطه‌ای» تقسیم بندی و ارائه کرد:

۱-۲) اهداف غایی انضباط در نهج البلاغه

۱-۱-۲) قرب الهی:

هدف نهایی در همه فعالیت‌ها و رفتارهای اختیاری انسان از جمله در تعلیم و تربیت اسلامی {مانند انضباط} قرب اختیاری به خداوند است و این هدف نهایی میان همه حوزه‌های رفتاری مشترک است و فعالیت‌های مدیریتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن را نیز در بر می‌گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۱۵)

حضرت علی علیه السلام قرب الهی و نزدیک شدن به حضرت باری تعالی را آن قدر مهم می‌داند که در نهج البلاغه می‌فرماید: «به خدا سوگند! اگر مانند شتران بچه مرده ناله سر دهید و چونان کبوتران نوحه سرایی کنید و مانند راهبان زاری نمایید و برای نزدیک شدن به حق و دسترسی به درجات معنوی و آمرزش گناهایی که ثبت شده و ماموران حق آن را نگه می‌دارند، دست از اموال و فرزندان بکشید، سزاوار است. زیرا برابر پاداشی که برایتان انتظار دارم عذابی که از آن بر شما می‌ترسم، اندک است.»

۲-۱-۲) تقوی:

هدف اساسی اسلام آن است که فرد را طوری به بار بیاورد که خود اداره کننده خود باشد و هواهای نفسانی خود را تحت کنترل {و انضباط} درآورد. تقوی به معنی کوشش در

حفظ و نگهداری چیزی است و منظور در این‌گونه موارد نگهداری روح و جان از هرگونه آلودگی و متمرکز ساختن نیروهای در اموری است که رضای خدا در آن است». لذا علی (ع) در نخستین جمله‌ای که در عهدنامه مالک اشتر نخعی به فرمانده لشکرش می‌نویسد او را به تقوای الهی امر می‌کند. به عبارت دیگر در قاموس نظمی و انتظامی مهم‌ترین هدف که در ابتدای نامه آن حضرت هم بدان امر شده است، تقوای الهی است. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «آگاه باشید، تقوا را حفظ کنید و خویشان را با تقوا حفظ نمایید» (حکمت ۷۱۹) و در اهمیت این هدف بزرگ تاکید فرمودند: «تقوا در راس همه ارزش‌های اخلاقی است». (حکمت ۷۲۹) آن حضرت متقین را منضبط‌ترین افراد می‌داند که در وصف آنان فرمودند: «متقین در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه‌روی و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است» (خطبه ۱۹۳). مولای متقیان در توضیح کارکردهای تقوا نیز می‌فرماید: «دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد و قلب‌هایشان را پر از ترس خدا می‌سازد، تا آنکه شب‌های آنان با بی‌خوابی و روزهایشان با تحمل تشنگی و روزه-داری سپری می‌شود که آسایش آخرت را با رنج دنیا و سیراب شدن آنجا را با تحمل تشنگی دنیا به دست آوردند. اجل و مرگ را نزدیک دیده و در اعمال نیکو شتاب کرده‌اند، آرزوهای دنیایی را دروغ خواندند و به مرگ به درستی نگریستند. (خطبه ۱۱۴)

۳-۱-۲ عدالت:

یکی از اهداف انضباط این است که عدالت حاصل شود. در لغت نامه‌ها «العدل» را القصد فی الامور؛ یعنی اعتدال در امور و «العادل» را الواضع کل شیء موضعه؛ یعنی وضع کننده هر چیز در جای خودش معنی کرده‌اند. ترکیب‌ها و عبارت‌هایی چون: مرتب کردن، درست کردن، تنظیم کردن، ترتیب دادن، نظم دادن، وفق دادن، اصلاح کردن، بهبود بخشیدن، تغییر شکل دادن، یکسان کردن، برابر کردن، در یک سطح قرار دادن و هم‌سطح کردن، امر میانه به دور از افراط و تفریط، راستی، برابری، همسانی و کار معتدل نیز در قاموس لغت عدالت می‌گنجد.

در قرآن کریم تصریح شده که حکمت بعثت و ارسال پیامبران این است که عدل و قسط برنظام زندگانی بشر حاکم باشد: «همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین‌وسیله عدل را بپا دارند». بدیهی

است که برقراری اصل عدل در نظامات اجتماعی، موقوف به این است که اولاً نظام شریعتی و قانونی، نظامی عادلانه باشد، ثانیاً در عمل به مرحله اجرا درآید. (مطهری، ۱۳۵۸: ۵۹) چه در امور فردی چه در امور اجتماعی اگر نظم و انضباط باشد، عدالت حاصل شده است یا به بیان دیگر عدالت موقعی حاصل می‌شود که نظم و انضباط حاکم باشد. قرآن انسان اخلاقی و {بانضباط} را به عنوان صاحب عدل نام می‌برد.

امام علی (ع) در نهج البلاغه نیروهای انتظامی را با عنوان «عمال الانصاف و الرفق» کارگزاران عدل و نظم اجتماعی یاد می‌کند. آن حضرت وقتی «زیاد بن ابیه» را به جای عبدالله بن عباس به فارس و شهرهای پیرامون آن حکومت داد، در دستورالعملی به او هشدار داد که: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد و آنگاه است که اگر عدالت نباشد امور را از نظم و انضباط خارج می‌کند و به هرج و مرج سوق می‌دهد». (دشتی، ۱۳۸۰ حکمت ۴۷۶)

۲-۱-۴) رشد و کمال:

معنای «رشد» هم تناسب معنایی با انضباط دارد. در ذیل آیه «هدی الی الرشد فامنا به و لن نشکر برینا احدا» (سوره جن، ۲) آمده است: رشد، تعبیر بسیار گسترده و جامعی است که هرگونه امتیازی را دربر می‌گیرد، راهی است صاف، بدون پیچ و خم، روشن و واضح که پیوندگان را به سرمنزل سعادت و کمال می‌رساند.

در قرآن رشد به معنای رسیدن به سعادت و دستیابی انسان به آنچه برای کمال وی متصور است به کار رفته و راه رسیدن به این سعادت، اجابت دعوی پیامبران و ایمان به خدای متعال دانسته شده است. مولای متقیان علی (ع) رسیدن به «رشد» و کمال را هدف اساسی تربیت می‌داند و خطاب به فرزند بزرگوارشان حضرت امام حسن مجتبی (ع) مرقوم فرموده‌اند: «امیدوارم خداوند تو را در رستگاری پیروز گرداند و به راه راست هدایت فرماید». آن حضرت در وصف حضرت رسول (ص) به عنوان منضبط‌ترین فرد عالم هستی می‌فرماید: «راه و رسم او با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار و سخنانش روشن‌گر حق و باطل و حکم او عادلانه است». (خطبه ۹۴) در نکوهش بی‌انضباطی کوفیان فرمودند: «شما را چه می‌شود؟ هرگز راه رشد و رستگاری نپویید! و به راه عدل هدایت نگردید». (دشتی، نامه ۱۱۹)

۲-۲) اهداف واسطه‌ای انضباط در نهج البلاغه

اهداف واسطه‌ای انضباط در بردارنده دو وجه «معنوی» و «ظاهری» است. جنبه معنوی انضباط که پایه و اساس تربیت نیروهای مسلح مکتبی، فداکار و وظیفه شناس را تشکیل می‌دهد در اثر «ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین مبین اسلام»، «انجام فرائض دینی»، «پایبند بودن به احکام و ارزش‌های اخلاق اسلامی»، «احساس مسئولیت معنوی در قبال نظام حکومت اسلامی، میهن و مردم»، «قانون و وظایف محوله و اعتقاد به منطقی و عادلانه بودن مقررات» و «اعتقاد به فرماندهان و همکاران» به وجود می‌آید؛ به طوری که اگر تمام نظارت‌ها برداشته شود جنبه معنوی انضباط همچنان پایرجا و برقرار می‌ماند. جنبه ظاهری انضباط نیز با «حفظ احترامات»، «آراستگی ظاهری» و «دقت در اجرای قوانین مقررات و دستورها» تحقق می‌یابد.

۲-۲-۱) ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین مبین اسلام:

بارزترین تفاوت یک مامور نیروی انتظامی در مکتب اسلام و مکاتب الحادی، ایمان و اعتقاد به خداست. عمارت انضباط برپایه‌های دینی و ایمان الهی استوار شده و همان‌گونه که عمل به مولفه‌های معنوی و تقویت اعتقادات در نظم ظاهری جلوه می‌کند، عبور از پله‌های نظم ظاهری هم دستیابی به عمارت رفیع مقامات معنوی را میسر می‌سازد. پس توقع دینداری و تقوا از یک مجموعه انتظامی امر باطلی نیست و نه تنها انضباط انتظامی هیچ تضادی با امور ایمانی ندارد، بلکه ارزشمندی و قداست انضباط بر معیار رعایت تقوا، پرورش اعتقادات و تقویت ایمان است.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «همانا بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جهاد در راه خداست که جهاد قله بلند اسلام و یکتا دانستن خدا براساس فطرت انسانی است. (دشتی، خطبه ۱۱۰)

۲-۲-۲) انجام فرائض دینی:

یکی از مولفه‌های جنبه انضباط انتظامی در آیین نامه انضباطی، انجام فرائض دینی است. امری که امام علیه السلام در نخستین سخنرانی خود بدان چنین اشاره فرمودند: «واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند» (دستی، خطبه ۱۷۶) و تاکید کردند: «همانا خداوند واجباتی را بر شما لازم شمرده، آنها را تباہ نکنید و حدودی برای شما معین فرموده، اما از آنها تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی فرمود، حرمت آنها را نگه دارید و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود نه از روی فراموشی، پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید». (حکمت ۱۰۵) و اینکه «واجبات تعیین شده در اسلام، حقوق الهی است و با انجام واجبات، حقوق الهی را ادا کنید». (خطبه ۱۷۶)

۲-۲-۳) پایبند بودن به احکام و ارزش‌های اسلامی:

پایبند بودن به احکام و ارزش‌های اخلاق اسلامی یکی دیگر از مولفه‌های انضباط معنوی است. موقعیت‌های نظامی-انتظامی به دلیل ماهیت شغلی و برخورداری از قدرت، زمینه سوء استفاده را برای آدمی فراهم می‌کند، چنانچه امام علی (ع) در جمله‌ای قصار این مطلب را هشدار می‌دهد: «هر کس قدرت (قدرت بی دین) به دست آورد زورگویی دارد» (حکمت ۱۶۰). درابتدای فرمان مالک اشتر هدف از واگذاری قدرت به او را چنین تعیین می‌کند؛ اگر مالک اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معین می‌شود، برای آن نیست که برای خود عنوان و قدرتی کسب کند؛ یا سود و بهره‌ای مادی برای خود جلب کند، برای آن است که این کارها را انجام دهد؛ برای اداره امور مالی کشور از آنها مالیات بگیرد، با دشمنان مردم مبارزه کند، آنها را در مقابل دشمنانشان مصونیت بخشد، آنها را به صلاح نزدیک کند، شهرها را، حیطة حکومت خود را آباد کند.

در کتاب «اخلاق نظامی از دیدگاه نهج البلاغه» ضمن تقسیم اخلاق نظامیان به دو بخش عمومی و اختصاصی آورده است: یک سلسله ارزش‌های اخلاقی و مسائل اخلاق نظامی به نظام اخلاق اسلامی و ارزش‌های عام اخلاقی مربوط می‌شود همچون: باورها، بایدها و نبایدهایی که به انسان تعلق دارد و چون از دیدگاه نهج البلاغه، نظامی و نظامیان یکی از طبقات اجتماعی به شمار می‌آیند، باورها و ارزش‌های اخلاق عمومی را نیز دارند، مانند: الف- اخلاق فردی: خودسازی، تنظیم اعتقادات دینی، تقویت روح خداگرایی، کمال-

گرایی و ارزش‌گرایی، تنظیم و تعادل بین عبادت، نیایش، کار، استراحت و رفاه شخصی، شناخت خوبی‌ها و ارزش‌های دینی و تقویت آن در خود، شناخت بدی‌ها، زشتی‌ها و پرهیز از آنها، رعایت نظم و عدل در زندگی فردی، انجام مراسم مذهبی (دستی، ۳۸: ۱۳۸۸) ب- اخلاق اجتماعی: تنظیم نظام روابط اخلاقی خانوادگی با دوستان و آشنایان، تنظیم نظام اخلاقی با خانواده، تنظیم نظام اخلاقی با همسایگان، تنظیم نظام اخلاقی با همکاران در محیط کار، تنظیم نظام اخلاقی با دولت و جامعه اسلامی. در این دسته از ارزش‌های اخلاق عمومی فرقی بین نظامی، روحانی، کشاورز، کارگر، زن، مرد و... نیست. همه باید به نظم و قانون احترام بگذارند و همه باید به حقوق فرد و جامعه احترام بگذارند. در مقابل برخی از ارزش‌های اخلاقی به صورت ممتاز، خصوصی و تنها به گروه خاص، در زمان و مکان مشخصی ارتباط دارد که دیگر طبقات اجتماعی از انجام آن معاف هستند. برخی از نمونه‌های اخلاقی اختصاصی نظامیان در نهج البلاغه چنین آمده است: «اخلاق نظامی آموزش دهنده و آموزش گیرنده در هنگام آموزش نظامی، رازداری در تمام مراحل خدمت و ماموریت‌های محوله، رعایت سلسله مراتب، اطاعت از فرماندهی، روابط اجتماعی نظامی با نظامی، کیفیت رابطه نظامی با همکاران در عملیات، کیفیت رابطه نظامی با اسرا و متهمان و مظنونان». (خطبه‌های ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۰۷، ۳۹، ۴۳، ۵۶، ۶۶، ۱۱)

۲-۲) احساس مسئولیت در قبال نظام اسلامی:

هیچ جامعه‌ای بدون حکومت موجودیت پیدا نمی‌کند، زیرا ایجاد هر تجمعی منوط به نظم است و نیز در گرو وجود ناظم تحقق می‌یابد که تبلور آن در نهج البلاغه «ولایت» است. حکومت {مجموعه دستگاه‌های اجرایی} در نهج البلاغه، هیچ نشانه و اشاره‌ای از سطه‌گری ندارد و بالطبع هیچ بهانه‌ای برای امتیاز طلبی «والی» ندارد. از آن طرف، مردم به تعبیر نهج البلاغه «رعیت» اند. «رعیت» یعنی جمعی که رعایت و مراقبت آنان و حفاظت و حراست آنان بر دوش ولیّ امر است. (خامنه‌ای، ۱۸: ۱۳۹۱) از بیان امام علی (ع) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ به شبهه خوارج که می‌گفتند: «لا حکم الا لله» فرمود: «به ناچار برای امیر مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن شود و حقوق ضعفا از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شرّ بدکاران آسایش داشته باشند. (دستی، خطبه ۴۰)

امام علیه السلام دلیل آنکه همه باید نسبت به حکومت اسلامی به مسئولیت خود واقف و پایبند باشند، اینگونه بیان می‌کند: « و همانا حکومت الهی حافظ امور شماست؛ بنابراین زمام امور خود را بی آنکه نفاق ورزید یا کراهتی داشته باشید به دست امام خود سپارید» که در غیر این صورت « به خدا سوگند اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید و در دست دیگران قرار خواهد گرفت. (خطبه ۱۶۹)

۲-۲-۵) اعتقاد به منطقی و عادلانه بودن قوانین:

یکی دیگر از مولفه‌های انضباط انتظامی قانون و وظایف محوله، اعتقاد به منطقی و عادلانه بودن مقررات است که ماده ۸ آیین نامه انضباطی بدان اشاره شده است. بی‌تردید متقن‌ترین و شایسته‌ترین حکم و قانون آن است که با آنچه در خلقت و آفرینش انسان است تطبیق کند. (حجازی، مشایخ فردینی و مشکینی ۱۳۶۳) لذا اگر مفهوم قانون را تعمیم دهیم و تمام حرکت‌های انتظامی و انسجام بخش فرمان‌ها را خیزشی در قانون‌گرایی تلقی کنیم، می‌توانیم بگوییم در کتاب شریف نهج البلاغه چنین مواردی به وفور یافت می‌شود که حاکی از ایجاد نظم پایدار و مداوم برای امنیت عامه و تسهیل گسترش عدالت در حکومت اسلامی است. و دلیل آن برخورد‌های مکرر امام (ع) با کارگزاران خود است که آنها را به خاطر تخطی از وظیف محوله توبیخ می‌کرد و به محض آگاهی، نکوهش یا عزل می‌کرد.

امام علی (ع) از همه آحاد امت متعهدتر و خود را در برابر قانون مسئول تر می‌داند، چنانچه می‌فرماید: «ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ اطاعتی وادار نمی‌کنم مگر آنکه پیش از آن، خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌کردم جزء آنکه پیش از آن، ترک گفته‌ام.» (دشتی، خطبه ۱۷۵)

۲-۲-۶) اعتقاد به فرماندهان و همکاران:

در ماده ۴ آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح آمده است: «فرماندهی اختیاری است که یک فرد در خدمت به سبب شغل یا درجه و مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت‌های محوله به کار می‌برد، فرمانده مسئول اداره پرسنل واحد خود بوده و تنها مقامی است

که در قبال اعمالی که واخذ او انجام و یا از انجام آن بازمانده است، مسئولیت دارد». (اداره کل تالیفات، ۱۳۷۷؛ ماده ۴)

از دیدگاه اسلام، ضرورت فرماندهی تا آنجاست که اگر گروهی قصد مسافرت داشته باشند، در حالی که تعدادشان از سه نفر هم بیش تر نباشد، باید یکی از آن سه را فرمانده برگزینند تا روح نظم و انضباط را بر جمع خود حاکم کند. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۴۶ نهج البلاغه در جایگاه حساس فرماندهی چنین می فرماید: «جایگاه فرمانده، چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته به هم پیوند می دهد. اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع آوری نخواهند شد.» امام (ع) برای مافوق (فرمانده) و مادون (زیردست) حقوقی را بر شمرده که این حقوق را از میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حقوق می داند: و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر (فرمانده) بر مردم و حق زیردست بر فرمانده است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبری و عزت دین قرار داد. «پس زیردستان اصلاح نمی شوند جز آنکه فرماندهان اصلاح گردند و فرماندهان اصلاح نمی شوند جزء با درستکاری زیردستان. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). امام علی علیه السلام فرجام نافرمانی و منش اطاعت ناپذیری را این گونه برایشان ترسیم می کند: «بدانید که نافرمانی از دستور نصیحت کننده مهربان دانا و با تجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است» (همان، خطبه ۳۵)

۲-۷) پابرجا بودن جنبه انضباط معنوی با وجود برداشته شدن تمام نظارت‌ها:

همان گونه که اشاره شد ماده هشتم آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، جنبه معنوی انضباط را این گونه تکمیل می کند که: «اگر تمام نظارت‌ها برداشته شود جنبه معنوی انضباط همچنان پابرجا و برقرار می ماند». (اداره کل تالیفات، ۱۳۷۷؛ ماده ۸) جنبه معنوی انضباط تاکید می کند، اگر چه نیروهای انتظامی خود نگهبان و پاسبان امتاند تا نظم و انضباط در جامعه ره آورد آنان باشد، لیکن فراموش نکنند که خود نیز نگهبانان و دیدبان-هایی دارند که هر لحظه آنان را رصد می کنند: «بدانید که از شما نگهبانی بر شما گماشته‌اند و دیدبان‌هایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می کنند و شماره نفس‌های شما را می شمارند، نه تاریکی شب شما را از آنان می پوشاند و نه دری

محکم شما را از آنان چنهان می‌کند(دشتی ۱۳۸۰ خطبه ۱۵۷) امام علی علیه السلام به حارث همدانی که از یاران مخلص و از فقهای بزرگ بود، توجه به جنبه معنوی انضباط را چنین متذکر شدند که: «از هرکار پنهانی که از آشکارشدنش شرم داری پرهیز کن، از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند، نپذیرد یا عذر خواهی کند، دوری کن و آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده». (همان، نامه ۶۹)

۲-۲-۸) حفظ احترامات:

«ادای احترامات نظامی در نیروهای مسلح موجب جلب صمیمت، افزایش همبستگی و تحکیم مبانی انضباطی می‌شود. (اداره کل تالیفات و پژوهش ۱۳۷۷؛ ماده ۶) از منظر امیرالمومنین (علیه السلام) شایسته است افراد مافوق (فرماندهان)، قبل از اینکه مادون (افراد زیردست) به آنان احترام بگذارند زمینه ای فراهم کنند که مادون با دل و جان به آنان احترام بگذارند و با رفتار خود الگویی برای زیردستان باشند، چنانچه فرمودند: «هرکس خود را به پیشوایی مردم گمارد، باید پیش از تعلیم دیگری نخست به تعلیم خود پردازد و به جای آنکه به گفتار، دیگری را تربیت کند باید به رفتار، ادب کننده او باشد. و آن کس که آموزنده و ادب کننده خویشان است سزاوارتر به احترام است تا آنکه مردم را آموزش و پرورش می‌دهد» (حکمت: ۷۳)

۲-۲-۹) آراستگی ظاهری:

در اسلام مبانی فقهی و اعتقادی متعددی وجود دارد که «ظاهر» آدمی بر «باطن» او تأثیرگذار است. وقتی امام (ع) می‌فرماید: «اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای (بردبار جلوه بده)؛ زیرا اندک است که کسی خود را همانند مردمی کند و از جمله آنان به حساب نیاید». (حکمت ۲۰۷) این امر حاکی از آن است که هرگاه نقشی برپیکر انسان نمودار شود، شبی با رنگ و بوی خود در باطن خواهد افکند. شگفت‌تر آن است که اگر این نقش با تکلف و تصنع نیز به خود بسته شود، باز طنینی درونی خواهد داشت. در مقابل، باطن آدمی نیز بر ظاهر او تأثیر مستقیم دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نهن خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند و کسی که برای ادای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید؛ و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند خدا

میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد». (همان، حکمت ۴۲۳). در فرهنگ واژگانی نهج البلاغه معادل واژه آراستگی، «زینت، نظام، زخرف» آمده است. آراستگی ظاهری یک مامور پلیس و نظافت ظاهری و پاکیزگی او نقش بسزایی در جاذبه او دارد، او را از شخصیتی با ثبات و باوقار برخوردار می‌کند. همواره ظاهر آدمی برگرفته و حاکی از باطن اوست.

۳- مبحث سوم: تلاش جهادی

در سال‌های پس از انقلاب به ویژه سال‌های اخیر یکی از مسائلی که رهبر معظم انقلاب همواره در فرمایشات خود بر آن تاکید دارند، کار و تلاش جهادی در همه حوزه‌هاست. به طوری که به وضوح می‌توان گفت از منظر فرماندهی معظم کل قوت ریشه اغلب مشکلات جامعه «عمل و اقدام نکردن» است. موضوعی که تحت عناوینی چون تنبلی اجتماعی، ضعف در وجدان کاری، عدم خلاقیت در کار، وابستگی فکری و... در محافل علمی و جامعه شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش زیادی از مشکلات امروز کشور ناشی از نبود فرهنگ کار و تلاش همراه با نوآوری و خلاقیت است که در ساختار اجتماعی ما ریشه دوانده و مانع از شکستن مرزها و حصارهای وابستگی است. اما در حوزه امنیت موضوع متفاوت است. پیشرفت‌ها در نیروهای مسلح نظامی و انتظامی ایران پس از انقلاب همه صاحب نظران را بر آن داشته تا ضمن تایید این توفیقات، آنها را الگوی سایر حوزه‌ها از جمله صنعت معرفی کنند.

امنیت بی‌بدیل ایران در منطقه‌ای به واقع ناامن و متلاطم خود بهترین سند برای تایید این موضوع است. امنیتی که بی‌تردید حاصل کار و تلاش خستگی‌ناپذیر نیروی انسانی فعال در ناجا و سایر دستگاه‌های امنیتی و نظامی و همراهی مطلوب مردم با آنان است. به طور یقین با وجود دشمنان قسم خورده انقلاب و ملت که مستمراً به دنبال ضربه زدن به کشور و امنیت آن هستند؛ اگر ایستادگی مرزبانان در مرزها، چشمان همیشه بیدار ماموران در جای‌جای این سرزمین و هوشیاری همیشگی پلیس و امنیت‌آفرینان نبود، این امنیت بی‌نظیر محقق نمی‌شد. با این حال پنداشتیم که آسیب‌های موجود در «فرهنگ کار» و «وجدان کاری» در فضای فکری و عمومی جامعه نهادینه شده و برعموم بخش‌ها تاثیر گذاشته است. از همین رو در ادامه به برخی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در

خصوص نقش کار و تلاش در پیشبرد اهداف می پردازیم و در خلال آن نقاط ضعف و قوت موجود در کار انتظامی را بررسی خواهیم کرد:

۳-۱) تشکی مردم برای خدمت

مردم هم تشنه خدمت‌رسانی دولت هستند. مردم، نظام و مسؤولان نظام را دوست دارند. شما نشانه‌های دوست داشتن مردم را می‌بینید. کسی نمی‌تواند چشمش را روی هم بگذارد و اینها را نبیند. مردم دوست می‌دارند که از مسؤولان کار نیک ببینند تا حسن ظن و محبت خودشان را به آنها حفظ کنند و در تناقض قرار نگیرند. مردم تشنه خدمتند؛ واقعاً هم احتیاج دارند؛ بنابراین دولت {مجموعه دستگاه‌های اجرایی} باید کارآمدی خودش را نشان دهد. (دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵)

۳-۲) رقابت در خدمت‌رسانی

مسئولین تا نفس دارند باید به این مردم خدمت کنند. بایستی در بین مسئولین مسابقه خدمت‌گزاری و خدمت‌رسانی به مردم برقرار باشد. این مسابقه و رقابت درست است. رقابت‌های سیاسی و جناحی و رقابت بر سر قدرت در امر دنیا و امور دنیوی مردود است. رقابت، مسابقه و مبارزه‌ای درست است که در خدمت‌گذاری به مردم باشد. قرآن می‌فرماید: «سابقوا الی مغفره من ربکم»؛ این مسابقه به سمت مغفرت و رحمت الهی است. «واستبقوا الخیرات» برای کارهای نیک، مسابقه بگذارید. (دیدار با مردم در حرم رضوی ۱۳۸۲/۰۱/۰۱)

۳-۳) نهضت خدمت‌رسانی

همه مسئولان در سه قوه، باید نهضتی را برای خدمت‌رسانی به مردم شروع کنند. ممکن است ما انواع و اقسام کارها و برنامه‌ها را در پیش‌رو داشته باشیم و اجرا کنیم؛ باید در میان آنها آنچه خدمت‌رسانی عمیق‌تر و ماندگارتر و زودبازده‌تر محسوب می‌شود، اولویت پیدا کند. به ویژه این کارها باید بیشتر در خدمت قشرهای مستضعف و محروم و محتاج

جامعه صورت گیرد. این اقدامات باید مدبرانه و با برنامه‌ریزی انجام شود و گزارش آن نیز به مردم ارائه گردد. مسئولان باید مردم را در قبال یک گزارش درست و متقن، مختار به قضاوت کنند تا مردم بتوانند کارآمدی نظام را به چشم ببینند و نسبت به آن قضاوت نمایند. نهضت خدمت‌رسانی به مردم یک مبارزه بزرگ و سنگین است؛ زیرا خدمت رساندن به عموم مردم با منافع بعضی گروه‌های خاص تضاد پیدا می‌کند و این‌جاست که باید با مبارزه و همت و عزم راسخ وارد میدان شد.

خطاب من به همه مسئولان سه قوه، کارگزاران کشور و گروه‌های سیاسی است؛ این امر را رقابت اصلی بدانید. امروز در کشور، رقابت مشروع و مقبول از نظر مردم و ما، فقط رقابت برای خدمت کردن به مردم است. رقابت‌های سیاسی که اغلب بر سر موضوعات پوچ صورت می‌گیرد، در موارد بسیاری به دعوای و جنجال‌های مضر منجر می‌شود و رقابتی نیست که ما آن را برای کشور و ملت بپذیریم و بپسندیم. همچنین در اسلام برای قبضه کردن قدرت، رقابتی وجود ندارد. این را از آن جهت می‌گوییم که عده‌ای تنها برای کسب قدرت سیاسی تلاش می‌کنند و به رقابت مشغولند. بنابراین رقابت صحیح، مشروع و مقبول، رقابت در خدمت‌رسانی به مردم است. همه باید نهضت خدمت‌رسانی به مردم را جدی بگیرند. مردم این امر را مطالبه کنند و مسئولان به برنامه‌ریزی آن بپردازند. مجریان برنامه‌ها را به اجرا درآورند و کارآمدی نظام را که دشمن با بیشترین تلاش درصدد انکار آن است، عیناً و به‌طور ملموس به مردم ثابت کنند. (پیام نوروزی ۱۳۸۲/۱۰/۰۱)

۳-۴) کار مرسوم اداری یا کار جهادی

در زمینه خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سال‌ها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - می‌دانید روحیه من را، من آدم دعوت‌کننده به بی‌قانونی نیستم؛ بشدت ضد این بی‌قانونی هستم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور می‌شود کار کرد: یک کار مرسوم اداری، یک کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان‌شاءالله خدمت بخوبی انجام بگیرد.

(دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۲)

۳-۵) وجدان کاری

من می‌خواهم یک نکته را که واقعاً در کشور ما باید رویش قدری کار بشود، عرض بکنم و آن «وجدان کاری» است که باید در کارکنان ما خیلی زیاد تزریق و تلقین بشود. در طول سال‌های سلطه‌ی دشمنان این ملت در کشور ما، خیلی از ذخایر معنویمان دست خورده شده که از جمله، همین موضوع است. آقایان! یکی از کارهایی که در وزارتخانه‌ها و در مراکز مدیریت خودتان، به آن توجه کامل می‌کنید، این نکته است. باید به وجدان کار، وجدان آن وظیفه و مسئولیتی که بر دوش هریک از افراد شماست، خیلی اهمیت بدهید و آن را احیا کنید. امروز کار در کشور ما، بایستی پرتلاش انجام بگیرد. بدون آن وجدان کار هم نمی‌شود». (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران ۶۹/۶/۱)



۴- مدل تحلیلی شاخص‌های کاربردی اخلاق، انضباط، تلاش و کار جهادی در رفتار کارکنان پلیس



نتیجه گیری:

ماموران و فرماندهان پلیس با عنایت به حساسیت، اهمیت و تاثیرگذاری فوق العاده عملکردشان در جامعه ضروری است که از شخصیتی مزین به ایمان، تقوا، عدالت خواهی، قانونمندی، خودکنترلی، مهربانی، ساده زیستی و تلاش‌گری برخوردار باشند و به واقع چنین پلیسی در تراز نظام جمهوری اسلامی است. فرمانده معظم کل قوا امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در دیدار اخیر خود (دوم دی ماه ۹۷) با فرماندهان ناجا این نیرو را در معرض نگاه و قضاوت عمومی دانستند و تاکید کردند: «باید به نحوی عمل کنید که برداشت مردم از نیروی انتظامی یک نیروی مقتدر، عادل و هوشیار باشد». ایشان در همین جلسه فرمودند: «عملکرد نیروی انتظامی باید عاقلانه، مدبرانه و برای مردم کاملاً اطمینان بخش و اعتماد آفرین باشد». همانطور که پیداست شعار «اخلاق، انضباط و کار و تلاش جهادی» نه تنها الگوی مناسب برای مجموعه رفتار سازمانی است، بلکه می‌توان آن را الگوی عالی رفتار فردی، خانوادگی، اجتماعی و سازمانی نامید و از آن برای تعیین شاخص-های رفتاری همه آحاد جامعه استفاده کرد. بی تردید فردی که در ساختار نظام اسلامی قرار می‌گیرد و در این مجموعه فعالیت می‌کند، بر سرنوشت دیگران و به طور کلی اجتماع تاثیرگذار است و این فرد اگر یک مامور پلیس و مسئول تامین نظم و امنیت باشد، دامنه تاثیرگذاری آن به مراتب بیشتر است. طبق فرمایشات مقام معظم رهبری «نیروی انتظامی یکی از ارکان امنیت کشور و نیروی انسانی سازمان نیز رکن اصلی ناجاست» از همین رو توجه به «اخلاق، انضباط و کار» و نهادینه سازی آن در سبک زندگی فردی و سازمانی ماموران پلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تقویت روز افزون آن نیز به برنامه ریزی و سرمایه گذاری در این حوزه نیاز دارد. پلیس متخلق به اخلاق و منضبط که کار و خدمت به

مردم اولویت اساسی اوست، به طور یقین عاقل، مدبر و مطمئن خواهد بود و مردم و حاکمیت اسلامی می‌توانند به چنین پلیسی تکیه نمایند.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۶؛ ترجمه الهی قمش‌های، تهران، ذکر، چاپ سوم
دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه ۱۳۸۰؛ قم، مشهور
- علی ابن الحسین، امام چهارم، الصحیفه السجادیه. ترجمه حامد رحمتی کاشانی، ۱۳۸۶
- کریمی خویگانی، روح الله؛ بهشتی، سعید؛ محبی، علی (بهار ۹۴) اهداف انضباط انتظامی در آموزه‌های مدیریتی نهج البلاغه
- فصل نامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دهم؛ ۱۳۹۴.
- نگاه رهبر انقلاب به وجدان کاری؛ امیدجلوداریان، معاونت سیاسی صدا و سیما، ۱۳۹۶.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای .
وبلاگ رسانه ای عبدالامیر تهرانی.
- آذری قمی، احمد؛ رهبری و جنگ و صلح، ۱۳۶۶، بنیاد رسالت، تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ نظریه سیاسی اسلام، ۱۳۷۹، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

The pattern of individual and organizational behavior of the police in the Islamic society

Seyed Mohammad Shah Cheraghi

Abstract

The police force is one of the few organizations whose multiple missions are in line Ensuring order and security is closely linked to different segments of society, and that's it Close and sometimes engaging communication is permanent and uninterrupted. Wide waves that get pregnant Polite and kind treatment of police officers, as well as limited and violent treatment It's disgusting. Therefore, organizing the individual and organizational behavior of NAJA employees compared to others Devices and even the armed forces are doubly important. So that the commander The Supreme Commander-in-Chief of the Armed Forces has repeatedly made special remarks, such as the powerful and kind police, the kind friend, The safe haven of the people and ... in different situations and also in the statement of the second step of the Islamic Revolution They have drawn a strategic path in the balance of the revolution. That's why the researcher in this article with Consider the many harms of law enforcement as well as the potential of employees Committed, provincial and revolutionary of NAJA using Islamic texts and literature and emphasizing three concepts Behavioral patterns of "prophetic, Alawite and leadership" in the "way of working" and "discipline", "ethics "Introduces the individual and organizational police in the Islamic society.

Keywords: Police, Ethics, Discipline, Jihadi Effort, Islamic Society